



۲۰۱۶/۰۱/۲۲

هاشم انوری

## مداریان پاکستان و خوشبایوران افغانستان

### بدون شک پاکستان یکبار دیگر مقامات ذوق زده افغان را به دریا برده و تشنه میآورد!

سیاستمداران کهنه کار پاکستان (شاگردان انگلیس) در مدیریت، کنترل و خرید زمان (تایم) بسیار ماهر اند و میدانند که چطور زمان را به نفع خویش توقف و یا ادامه دهند. این گرگان باران دیده سیاست گاهی با موضع گیری های تند و گاهی هم با استفاده از خوشبآوری های مقامات افغانی از در صلح آمیز و برادری پیش میآیند. قسمیکه همه شاهد و واقف هستیم پاکستان یکبار دیگر در این فصل سرما به همکاری امریکا و چین نقشه دیگری را سر دست گرفته اند تا بعد از ۱۵ سال جنگهای خونین و کشتار هموطنان بیگناه ما در بین افغانها میانجی شوند و در افغانستان "صلح" بیاورند.

مذاکره اول به تاریخ ۱۱ جنوری ۲۰۱۶ در پاکستان به عمل آمد که کدام نتیجه ملموس نداشت. مذاکره یا نشست دوم به تاریخ ۱۸ جنوری ۲۰۱۶ در فاصله یک هفته در کابل برگزار شد و روی نقشه راه گفتگوی صلح در افغانستان بحث و گفتگو بعمل آمد، در حالیکه هم راه معلوم است و هم چاه.

در حالیکه جلسات ۴ جانبه صلح یکی پی دیگر برگزار میگردد، اما با تأسف که اندک ترین تمایل و یا نشانه از صلح و یا کدام آتش بس دیده نمیشود، برعکس حملات ناجوانمردانه که از طرف نظامیان و دستگاه استخباراتی پاکستان رهبری و توسط مزدوران شان زیر نام طالب در هر گوشه و کنار افغانستان عملی میگردد، گواه بر اینست که این نوع مذاکرات هیچگاه نتیجه نداده و نمیدهد.

خبر جالب امروز ۲۲/ جنوری/ ۲۰۱۶ اینست که وزیر دفاع پاکستان خواجه آصف در اسامبله یا جرگه ملی این کشور تعهد نموده که دیگر پاکستان از سیاستهای مداخله گرانه در دو کشور همسایه (افغانستان و هندوستان) دست برمیدارد. خواجه آصف همچنان به این موضوع اشاره و اعتراف نمود که پاکستان در ۳۰ تا ۴۰ سال اخیر و بطور کل در ۶۸ سال حیاتش جنگ نیابتی را در افغانستان و هند پیش برده و بعد از این پاکستان در پالیسی خود تغییر آورده و نتیجه خوب هم بدست آورده است.

اما به نظر من اظهارات این مقام عالی رتبه پاکستان قابل اعتماد نیست زیرا تا جائیکه دیده شده در سیاست های این مملکت ذره از صداقت وجود نداشته و ندارد. بسیار خنده آور است که رهبران کاذب پاکستان در مدت ۱۵ سال از یک حقیقت واضح و آشکار (وجود طالبان در پاکستان) انکار مینمودند، حال چطور و چگونه این گروههای مسلح را که در دشمنی با مردم افغانستان قرار دارند، بالای میز مذاکره حاضر مینمایند.

با تأسف که رهبری سیاسی افغانستان یا نمیداند و یا اینکه به خاطر حفظ مقامهای کاغذی شان از ترس نمی توانند سخن بر لب بیاورند، که حقیقت امر در کجاست؟

حقیقت اینست که پاکستان در قدم اول هیچگاه نخواست و نمیخواهد که در افغانستان صلح تأمین گردد، و در قدم دوم با آوردن یکعده طالبان سالخورده به میز مذاکره که دیگر توانائی جنگ را ندارند، میخواهد این مهره های سوخته و تاریخ تیر شده را نا فروخته از دست ندهد، و بالای افغانستان بفروش برساند تا مانند رهبران پیشین طالبان (که همین حالا در خانه های مجلل با همه امتیازات در شهر کابل زندگی مینمایند و گاه و بیگاه در میز های مدور حاضر میشوند و از طالبان مسلح دفاع و توصیف میدارند) در کابل مستقر شوند و در یک فضای غیر جنگی باقی عمر نگفت بار خود را

سپری نمایند. از سوی دیگر قرار راپور بعضی از رسانه ها عده دیگر شانرا که جوانتر هستند، بالای روسیه و ایران بفرود تا این دو مملکت ازین بی خردان در مقابله با پروژه جدید بنام «داعش» استفاده نماید و مرکز جنگ هنوز هم افغانستان باشد.

سیاستمداران پاکستان با این ابتکار جدید خود که نتیجه مطلوب هم ندارد، میخواهد از فشار جامعه جهانی و از آبرو



ریزی خویش در طول تاریخ گنده شان کاهش بعمل بیاورند، ضمناً یک حسن نیت ظاهری و کاذب در قضیه افغانستان را به جهانیان نشان دهد. زیرا مردم جهان از یک دیدگاه کاملاً دقیق و بجا به پاکستان مینگرند که این کشور مهد و زادگاه ترور، وحشت و دهشت است، خاصاً واقعه قتل اسامه بن لادن، پاکستان را از دیدگاه جهانیان بکلی به حاشیه کشانیده بود، اما با تأسف که دولتمردان افغانستان در رأس حامد کرزی (که دشمنان افغانستان را برادر خطاب مینمود و پاکستان را برادر دو گانه خود) نتوانست توجه جهان را به افغانستان جلب، و از این موقع و فرصت طلائی استفاده اعظمی را نماید.

با تأسف که پاکستان از دیدگاه جهانی به حیث یک کشور دیموکراتیک محسوب میشود، اما این دست نشانده و نماینده استعمار انگلیس در منطقه و همسایگی ما، در طول تاریخ اش از طرف نظامیان اداره شده است. جای شرم است به مقامات افغانستان، که نظامیان پاکستان به خاطر مذاکرات صلح با لباس نظامی (که خود نمونه زور نمائی و فرمان روائی است) خلاف عرف دیپلوماسی داخل افغانستان میشوند. نظامیان پاکستان چون راحیل شریف و رضوان اختر که از میله تفنگ و بی امنی کشور های همسایه امرار حیات مینمایند، چگونه حاضر میشوند با آوردن چند طالب بالای میز مذاکره که رهبری شان معلوم نیست، صلح را در افغانستان تأمین نمایند. بناعاً با توجه به این مطلب درخواست صلح از اشخاص و کشور امتحان شده چون پاکستان یک چیز بی معنی و ضیاع وقت است.

پاکستان از بدوی تأسیسش تا بحال در تقابل با افغانستان بوده است، پاکستان کشوریست که بقای خود را در بی ثباتی افغانستان میبیند، پاکستان کشوریست که اقوام دو طرف خط دیورند را ابزار خود ساخته است، پاکستان کشوریست که بسیار ماهرانه پلانهای خصمانه خود را طرح مینماید و از یک دید وسیع شیطانی در قضایا مینگرد، پاکستان به فکر تسخیر و بهره برداری از منابع آبی و زیرزمینی افغانستان برای همیشه است، پاکستان هیچگاه یک حکومت قوی و ملی را در افغانستان نمیخواهد، پاکستان در صدد اینست که نام افغانستان را از نقشه جهان محو نماید، پاکستان خود را وارث افغانستان میداند.

در اخیر میخواهم اضافه نمایم در دو مذاکره که پشت سر گذشتانیدم کدام خبر امیدوار کننده به مردم تشنه به صلح ما نوید داده نشد، یگانه خبر مهم این دو مذاکره تعیین تاریخ مذاکره بعدی بود که بتاریخ ۶/فبروری/۲۰۱۶ در اسلام آباد برگزار میگردد.

و بسیار جای تأسف است که هیئت افغانی تحت رهبری وزیر خارجه صلاح الدین ربانی و معین وزارت خارجه کرزی که دو شخص بی تجربه و غیرمسئولی در امور دیپلوماسی اند و بر اساس معاملات و روابط یا به خاطر پدران شان به این پست ها تعیین شده اند، مذاکرات را به پیش میبرند، که خط واضح و روان را از روی کاغذ خوانده نمیتواند، چه برسد که از یک موقف بلند دیپلوماسی مقابل ماستران سیاسی پاکستان دلیل و برهانی ارائه بدارند.

پایان